

سیره تربیتی پیامبر اکرم (ص)

داریوش بابائیان

دکتری فلسفه و کلام اسلامی، مدرس پردیس شهید مدرس، دانشگاه فرهنگیان، ایلام، ایران.
babaeiandariush@gmail.com

فرزانه منوچهری

ارشد روان شناسی تربیتی، ایلام، ایران.
manouchehrifarzaneh@yahoo.com

فرهاد منوچهری

دانشجوی کارشناسی آموزش علوم اجتماعی، پردیس شهید مدرس، دانشگاه فرهنگیان، ایلام، ایران.
Manouchehrifarhad1384@gmail.com

1

چکیده

پیامبر اکرم (ص) در چهل سالگی به نبوت مبعوث گشت و طی بیست و سه سال رسالت پیامبری جامعه ای را که به یک ایدئولوژی سازنده که احساس مسؤلیت جهانی می کرد، تأسیس نمود.

پیامبر گرامی اسلام دارای برترین سیره تربیتی در میان تمام مخلوقات جهان است. ویژگی های آن حضرت در کامل ترین شکل خود وجود دارد و آن حضرت ویژگی هایی مانند امانت داری، صبر، عدالت و ساده زیستی را به بهترین نحو برای جهانیان نمایان ساخته است.

امانت داری آن حضرت به میزانی کامل و برتر بوده است که حتی دشمنان وی نیز امانات خود را با وجود دشمنی با او به وی می سپردند زیرا با شخصیت والای آن حضرت آشنایی داشتند. صبر پیامبر نیز در ابعاد فردی و اجتماعی نیز زبانزد خاص و عام بود. ویژگی عدالت هم در سطح بالای انسانی خود در زندگانی آن حضرت جلوه گر است و ساده زیستی و عدم تعلق به مادیات در سراسر زندگانی مبارک ایشان جاری است.

این پژوهش از آن جهت اهمیت می یابد که در این روزگار و دوران ویژگی های مذکور در جوامع و میان انسان ها به خطر افتاده است و بر مسلمان و انسان های آزاده واجب است برای تبلیغ و رواج سیره تربیتی پیامبر گرامی اسلام تمام تلاش خود را به کار گیرند.

کلید واژه: سیره تربیتی، امانت داری، صبر، عدالت، ساده زیستی

مقدمه

پیامبر اکرم حضرت محمد بن عبد الله (ص) که نبوت به وسیله ایشان پایان یافت، در سال ۵۷۰ بعد از میلاد متولد شد، در چهل سالگی به نبوت مبعوث گشت، سیزده سال در مکه مردم را به اسلام دعوت کرد و سختیها و مشکلات فراوان متحمل شد و در این مدت گروهی زبده تربیت کرد و پس از آن به مدینه مهاجرت نمود و آنجا را مرکز حکومت قرار داد.

پیامبر(ص) ده سال در مدینه آزادانه دعوت و تبلیغ نمود و با سرکشان عرب نبرد کرد و همه را مقهور ساخت. پس از ده سال همه جزیره العرب با تلاش های آن حضرت و یاران ایشان مسلمان شدند. آیات کریمه قرآن تدریجا در مدت بیست و سه سال بر آن حضرت نازل شد.

مسلمانان شیفتگی عجیبی نسبت به قرآن وهم نسبت به شخصیت رسول اکرم نشان می دادند. رسول اکرم در سال یازدهم هجری، یعنی یازدهمین سال هجرت از مکه به مدینه، که بیست و سومین سال پیامبری او و شصت و سومین سال از عمرش بود درگذشت در حالی که جامعه ای نوپدید و مملو از نشاط روحی و مؤمن به یک ایدئولوژی سازنده که احساس مسئولیت جهانی می کرد تاسیس کرده و باقی گذاشته بود.

پیامبر اکرم (ص) شخصیت بسیار والایی بودند که خداوند متعال ایشان را به رسالت بزرگ پیامبری و بالاتر از آن وظیفه پایان بخشیدن نبوت مبعوث نمود. تمام وجود آن حضرت نور و اخلاق و انسانیت است و خداوند متعال در قرآن کریم از ایشان به عنوان "اسوه حسنه" یاد می کند. (احزاب، آیه ۲۱)

پیامبر گرامی اسلام اخلاق را به بالاترین مراتب ممکن خود رسانید. آن وجود مقدس خویش فرمودند: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكْرَمَ الْأَخْلَاقِ» (بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰)

راه و روش و سیره مبارک پیامبر کامل ترین و بهترین شیوه زندگی کردن در این جهان است و هرکسی بخواهد به مراتب بالای انسانی دست یابد قطعاً باید ایشان را سرلوحه و الگوی خویش قرار دهد.

2

امانت داری

یکی از بارز ترین ویژگی های شخصیتی پیامبر (ص) امانت داری آن حضرت بود. از آنجا که امانت داری یک ارزش والای انسانی است و در همه ادیان، مذاهب و فرهنگ ها دارای اعتبار و اهمیت است، در ادامه این ویژگی را در پیامبر (ص) تشریح می نماییم.

پیامبر (ص) پیش از بعثت، برای حضرت خدیجه (س) که بعد به همسری اش درآمد، یک سفر تجارتي به شام انجام داد. در آن سفر بیش از پیش لیاقت و استعداد و امانت داری و درستکاری اش روشن شد. او در میان مردم آنچنان به درستی شهره شده بود که لقب «محمد امین» یافته بود و مردم امانتها را به او می سپردند.

پس از بعثت نیز قریش با همه دشمنی ای که با او پیدا کردند، باز هم امانتهای خود را به او می سپردند، از همین رو پس از هجرت به مدینه، علی(علیه السلام) را چند روزی بعد از خود باقی گذاشت که امانتها را به صاحبان اصلی برساند. (مجموعه آثار جلد دوم، مطهری، مرتضی).

این موارد نشان دهنده اهتمام ویژه آن حضرت به امانت داری است.

امانتداری پیامبر صلی الله علیه و آله، در جمع آوری و تقسیم غنائم:

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَ مَنْ يَغُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ». (آل عمران، آیه ۱۶۱)

ممکن نیست هیچ پیامبری خیانت کند. و هر کس خیانت کند، روز رستاخیز، آنچه را در آن خیانت کرده، با خود به صحنه محشر می آورد؛ سپس نتیجه اعمال هر کس، بطور کامل به او داده می شود؛ و به آنها ستم نخواهد شد.

در شأن نزول آیه آورده اند: در غزوه بدر، قطیفه سرخی از غنائم گم شد. برخی گفتند: پیامبر صلی الله علیه و آله برداشته است، آیه مزبور نازل شد. (طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۷۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله خودشان نیز فرمودند: «به پرشماری، نماز، روزه حج، کار نیک و سر و صدای نماز شب آدمیان، ننگرید بلکه به راستگویی و امانتداری آنان بنگرید» (مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ج ۱، ص ۹۵)

صبر

صبر یکی از بزرگ ترین فضیلت ها و یکی از واژه هایی است که در قرآن کریم بر آن تاکید شده است. این ویژگی در رسول خدا(ص) در بالا ترین شکل خود وجود دارد.

پیامبر اکرم (ص) موظف به صبر جمیل و به دور از هرگونه بی تابی و شکوه، در برابر دشمنی کافران بودند. «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» (سوره معارج، آیه ۱) «لِلْكَافِرِينَ لِيَسْلُبْنَا عَنْهُمْ آيَاتِنَا» (سوره معارج آیه ۲) فَأَصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا (سوره معارج آیه ۵). تقاضا کننده ای تقاضای عذابی کرد که انجام می گیرد. این عذاب برای کافران است، و هیچ کس نمی تواند آن را دفع کند، پس صبر جمیل پیشه کن»

«صبر جمیل» صبری است که در آن بی تابی و شکوه نباشد. (طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقران، جلد ۱۰، ص ۵۳۱).

خداوند متعال در قرآن کریم به پیامبر (ص) دستور صبوری کردن در مجازات کافران را فرموده است: «وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ...» (سوره احقاف، آیه ۳۴) فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولَاؤُا الْعَزْمِ مِنَ الرَّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ...» (سوره احقاف، آیه ۳۵) روزی را به یادآور که کافران را بر آتش عرضه می دارند و به آنها گفته می شود: آیا این حق نیست؟! ... پس صبر کن آن گونه که پیامبران «اولوا العزم» صبر کردند، و برای عذاب آنان شتاب مکن!...»

«و لا تستعجل لهم» یعنی در درخواست عذاب برای آنان (کافران) شتاب نکن. (طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۲۱۸).

سخن امام صادق (ع) درباره صبر پیامبر اکرم (ص): پیامبر(ص) صبرو شکیبایی پیشه کرد تا این که انواع تیرهای تهمت را به سوی او پرتاب کردند و مجنون و ساحرش خواندند و شاعرش نامیدند و در دعوی نبوت تکذیبش کردند، سینه پیامبر از سخنانشان تنگ شد، خداوند این سخن را براو نازل کرد: می دانیم که سینه ات از سخنان آنها تنگ می شود، اما تسبیح و حمد پروردگارت را به جای آور و از سجده کنندگان باش که این عبادت ها به تو آرامش می بخشد. باردیگر او را تکذیب کردند و متهم ساختند، او اندوهگین شد خداوند این سخن را براو نازل کرد که می دانیم سخنان آنها تو را غمگین می کند؛ اما بدان! هدف آنها تکذیب تو نیست، این ظالمان آیات خدا را تکذیب می کنند. پیامبرانی که پیش از تو بودند آماج تکذیب قرار گرفتند، اما شکیبایی پیشه کردند، آنها آزار شدند و صبر کردند تا یاری ما فرا رسید، پیامبر باز هم شکیبایی کرد تا آن که از حد گذراندند، نام خود را به بدی بر زبان جاری کردند و تکذیب نمودند.

پیامبر عرض کرد: خداوندا من در مورد خودم و خاندانم و آبرویم شکیبایی کردم، اما در برابر بدگویی به مقام مقدس تو نمی توانم شکیبایی کنم، باز هم خداوند او را امر به صبر کرد و فرمود: در برابر آنچه می گویند شکیبا باش. سپس می افزاید: به دنبال آن، پیامبر(ص) در تمام حالات و در برابر همه مشکلات شکیبا بود، و همین سبب شد که خدا او را بشارت دهد که درخاندانش امامان پیدا می شوند، و این امامان را توصیه به صبر کرد.

اینجا بود که پیامبر(ص) فرمود: الصبر من الايمان كالراس من الجسد؛ صبر در برابر ایمان همچون سر است در مقابل تن.

عدالت

عدالت نیز یکی از ارزش های بزرگ انسانی است که همچون سایر ویژگی های نیکو در پیامبر خاتم وجود دارد. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) به منظور برقراری عدالت در همه زمینه ها، نهایت سعی و کوشش خود را مبذول داشت. از دید آن حضرت بین سیاه و سفید فرقی وجود ندارد و جز علم و تقوا کسی بر دیگری فضیلت و برتری ندارد.

در سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) عدالت در جنبه های فردی و اجتماعی وجود دارد. خود ایشان اجرا کننده عدل و قسط بود تا آنجا که حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در وصف ایشان می فرماید: «سیرتش (سیرت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)) میانه روی است، آیینش راهنماینده، کلامش جدا کننده حق از باطل و داوری اش قرین عدالت بود.» (امام علی، نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، خطبه ۹۴، ص ۹۴۱).

از کلام گوهریار ایشان است: «برابری انسانها با یکدیگر مثل دندانهای شانه است یا همچون پیمانها برابرند.» حرانی، ابی محمد حسین بن علی، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۹۸ق، ص ۳۳ «عادل ترین مردم کسی خواهد بود که برای مردم همان را بپسندد و بدان رضایت دهد که برای نفس خود نمی پسندد و بر آنان آنچه را برای خود روا نمی دارد، روا ندارد.» (تنکابنی، مرتضی فرید، راهنمای انسانیت (سیری در نهج الفصاحه)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۷۸۹).

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در جهت اجرای بهتر عدالت در جامعه و رفع خصومات، ساختاری برای قضاوت و دادرسی پدید آورد و خود نخستین قاضی حکومت اسلامی بود. او که خود در نگاه کردن به اطرافیان نیز عدالت می ورزد. (محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ه ش، ج ۸، ص ۲۶۸، ح ۳۹۳). نماد کاملی از قضاوت صحیح و عادلانه در جامعه بود.

برای نمونه در فتح مکه زنی از اشراف قبیله بنی مخزوم مرتکب سرقت شد و از نظر قضایی جرمش آشکار شد، خویشاوندان آن زن که اجرای حد را برای شرافت قبیله ای خود زیانبار می دیدند، اسامه بن زید که نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ارج و قربی داشت را وادار به شفاعت نمودند؛ اما همین که اسامه زبان به شفاعت گشود، آن حضرت خشمگین شد و فرمود: «مگر می توان حدود و قانون را اجرا نکرد.» و فوراً دستور مجازات را صادر کرد و نیز فرمود: «اقوام و ملل پیشین دچار سقوط شدند؛ زیرا در اجرای قانون تبعیض روا می داشتند. قسم به خدایی که جانم در دست اوست در اجرای قانون درباره هیچ کس کوتاهی و سستی نمی کنم؛ اگرچه مجرم از نزدیکان من باشد.» (بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحيح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ق، چاپ اول، ج ۵، ص ۲۳). (متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال فی احادیث الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۷۳۵). (ابن ماجه، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۸۵۲ - ۸۵۱). (ابن کثیر، اسماعیل، سیره النبویه، تحقیق: مصطفی عبدالواحد، دارالمعرفه، بیروت، ۱۳۹۳ه ق، ج ۳، ص ۶۰۱).

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خود را نیز از اجرای عدالت مستثنی نمی کرد و فوق قانون بر نمی شمرد. آن حضرت روزی به مسجد رفت و در خطابه ای فرمود: «خدا سوگند یاد کرده است در روز جزا از ظلم هیچ ظالمی نمی گذرد. اگر به کسی از شما ستمی از من رفته من حاضرم به قصاص تن بدهم.» شخصی به نام سواده بن قیس به پا خاست و گفت: یا رسول الله روزی که از طائف برمی گشتی و عصارا در دست خود حرکت می دادی به شکم من خورد و مرا رنجاند. حضرت فرمود: اگرچه این کار را عمداً نکردم؛ اما به حکم قصاص تسلیم می شوم و فرمان داد، همان عصارا را بیاورند و به دست سواده داد. سواده گفت: نه من شما را می بخشم، فرمود: خدا نیز تو را ببخشد. (طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، تحقیق، محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة الرابعة، دارالمعارف، القاهرة، ۱۹۷۹م، ج ۲، ص ۴۴۶ - ۴۴۷). (ابن هشام، سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۶۶ - ۲۶۷). (ابن اثیر، عزالدین، اسدالغابه فی معرفة الصحابه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۳۳۲).

پیامبر(ص) عدالت را در همه شئون زندگی ضروری می داند، حتی در رفتار والدین با فرزندان نیز رعایت عدالت را ضروری می داند. برای مثال، روزی مردی از بین دو فرزند خود، یکی را بوسید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) او را دید و به او فرمود: چرا بین دو فرزندت عدالت را رعایت نکردی و هر دو را نبوسیدی؟ (طبرسی، حسنفضل، مکارم الاخلاق، تعلیق: محمد حسین اعلمی، بیروت، موسسه اعلمی، چاپ ششم، ۱۳۹۲، ص ۲۲۰)

ساده زیستی

یکی دیگر از ویژگی های رفتاری پیامبر اکرم (ص) ساده زیستی آن حضرت بود. این ویژگی پیامبر با توجه به رواج تجمل گرایی در این روزگار بسیار حائز اهمیت می باشد.

ساده زیستی از جوانب مختلف هم چون، خوراک، پوشاک، مرکب و غیره می تواند مورد بررسی قرار گیرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در تمام این موارد الگوی بشریت است. با توجه به اهمیت فوق العاده این خصلت خصوصا در جهان کنونی این ویژگی پیامبر را در ابعاد مختلف بررسی خواهیم کرد.

۱- خوراک پیامبر:

عمری گفت: روزی به اتاق پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رفتم، دیدم او بر بوریا خفته بود و بوریا بر پهلوی او رد انداخته بود و اندوخته خوراک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم چیزی جز دو مشت جو و یک مشت تره نبود؛ گریه ام گرفت. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ای پسر خطاب چرا گریه می کنی؟ گفتم: چرا گریه نکنم تو برگزیده خدایی و این اندوخته غذایی توست در حالی که خسرو و قیصر غرق در میوه و نعمت های فراوانند، فرمود: ای عمر خشنود نیستی که دنیا از آن ایشان و آخرت از آن ما باشد؟ من هم پذیرفتم. (بیهقی، ابوبکر، سنن الکبری، بیروت، دارالفکر، ج ۷، ص ۴۶).

از انس بن مالک نقل است، فاطمه (علیها السلام) قطعه نانی برای رسول خدا آورد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ای فاطمه این چیست؟ گفت: قرص نانی پخته ام، دلم آرام نگرفت تا این قطعه را برای شما آوردم. فرمود: دخترم این اولین غذایی است که از سه روز پیش تاکنون به دهان پدرت رسیده است. (ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۲۲).

۲- پوشاک پیامبر:

پیامبر سادگی را در پوشاک هم رعایت می کرد. ایشان بعضی اوقات جامه خود را وصله میکرد. (صدوق، محمد بن علی، امالی، قم، موسسه بعثت، ۱۴۱۷، ص ۱۳۰). گاهی لباس پشمینه می پوشید. ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، بیروت، دارالمعرفه، ج ۳، ص ۱۲۸).

از عایشه نقل است که روزی بانویی از انصار به خانه ما آمد و رختخواب پیامبر که یک عبای تاشده بود، دید و تشکی انباشته از پشم فرستاد، چون رسول خدا پیش من آمد، فرمود: این چیست؟ گفتم: بانوی انصاری چون رختخواب شما را دید این را فرستاد. پیامبر فرمود: این را برگردان، ای عایشه اگر می خواستم خداوند کوههایی از طلا و نقره در اختیارم قرار می داد. (الحلبی، نورالدین، السیره الحلبیه، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۴۵۴).

۳- مرکب پیامبر:

تواضع و فروتنی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به حدی بود که در وسایل و زندگی شخصی ایشان نمود داشت، از جمله مرکب ایشان بود، ایشان علاوه بر اسب بر شتر و قاطر نیز سوار می شدند. (متقی هندی، علاالدین، کنز العمال، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۹۸). و گاهی نیز کسی را هم ترک خود سوار می کردند. (صدوق، محمد بن علی، امالی، قم، موسسه بعثت، ۱۴۱۷، ص ۱۳۰). در مواردی هم بر خر بی پلان سوار می شد. (ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۲۷).

ساده زیستی پیامبر از نگاه امام علی (ع):

امام علی (ع) پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و زندگی او را این گونه توصیف می کند: «پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند و به دنیا با گوشه چشم نگریست، دو پهلویش از تمام مردم فرو رفته تر و شکمش از همه خالی تر بود، دنیا را به او نشان دادند؛ اما نپذیرفت... روی زمین می نشست و غذا می خورد و چون برده ساده می نشست، با دست خود کفش خود را وصله می زد و جامه خود را با دست خود می دوخت... پرده ای بر در خانه آویخته بود که نقش و نگار داشت، به یکی از همسران فرمود: این پرده را از چشمان من دور کن که هر گاه نگاهم به آن می افتد، به یاد دنیا و زینت های آن می افتم، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با دل از دنیا روی گرداند و یادش را از جان خود ریشه کن کرد...» (محمدی ری شهری و همکاران، حکمت نامه پیامبر اعظم، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۲۰۰).

نتیجه گیری

پیامبر (ص) بهترین اسوه زندگی در این جهان است که سرلوحه قرارداد انبیا و ائمه است و آخرت را در پی خواهد داشت. سیره تربیتی پیامبر کامل ترین و برترین راه و روش برای رسیدن انسان به کمالات بالقوه ای است که در وجود او قرار دارد. لذا ما انسان ها بایستی آن حضرت را رهبر و پیشوای خود قرار دهیم و در تمان ابعاد زندگی چه فردی و چه اجتماعی از ایشان الگو بگیریم.

6

خصایص و ویژگی های آن حضرت کاملا انسانی است بدان معنا که افراد فارغ از اعتقاد به هر دین، آیین و مذهبی این ویژگی ها را می پسندند و آنها را محترم می شمارند و برای آنها اهمیت قائل اند. ویژگی هایی که در این مقاله به آن ها پرداخته شد از آن حیث قابل تامل اند که در جهان امروز شدیداً مورد حمله قرار گرفته اند. خصوصاً دو ویژگی عدالت و ساده زیستی که در جهان مدرن نام آنها در معرض فراموشی شدن است. امروز بر همه مسلمانان واجب است که سیره و راه و روش پیامبر اکرم (ص)، عزیزترین شخص دو عالم، را در جهان تبلیغ نمایند و ویژگی های انسانی آن حضرت را به تمام جهانیان بشناسانند تا تمام بشریت از این نعمت و رحمت بزرگ الهی بهره مند شوند.

پیشنهادات

با وجود همه تلاش هایی که از سوی افراد دلسوز و فرهیخته جامعه در راستای نشر و تبلیغ سیره پیامبر (ص) صورت گرفته است باید بپذیریم راه و روش مبارک آن حضرت آن چنان که شایسته آن وجود مبارک باشد در جامعه و در رفتار های فردی و اجتماعی نمود پیدا نکرده است لذا به همگان پیشنهاد می شود علاوه بر تلاش مضاعف در گسترش سنن پیامبر (ص) در عمل به سیره پیامبر نیز اهتمام کافی بورزند و اجازه ندهند این منبع هدایتی از سوی خداوند در سطح نظر و آرمان باقی بماند گرچه گفتمان و تلاش برای مطرح شدن این سنن نیز بسیار مهم و ارزشمند است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. مجموعه آثار جلد دوم، مطهری، مرتضی
۳. طبرسی، فضل بن سهل، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۷۲
۴. مشکات الأنوار فی غرر الأخبار، ج ۱، ص ۹۵
۵. طبرسی، فضل بن سهل، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۳۱
۶. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۲۱۸

۷. امام علی، نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، خطبه ۹۴، ص ۲۱۱
۸. حرانی، ابی محمد حسین بن علی، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۹۸، ق، ص ۳۳
۹. تنکابنی، مرتضی فرید، راهنمای انسانیت (سیری در نهج الفصاحه)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۷۸۹
۱۰. محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۲۶۸.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحيح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸، ق، چاپ اول، ج ۵، ص ۲۳
۱۲. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال فی احادیث الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۷۳۵.
۱۳. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۸۵۲ - ۸۵۱
۱۴. ابن کثیر، اسماعیل، سیره النبویه، تحقیق: مصطفی عبدالواحد، دارالمعرفه، بیروت، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۶۰۱
۱۵. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، تحقیق، محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة الرابعة، دارالمعارف، القاهرة، ۱۹۷۹، ج ۲، ص ۴۴۶ - ۴۴۷.
۱۶. ابن هشام، سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۶۶ - ۲۶۷. ابن اثیر، عزالدین، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۳۳۲
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، تعلیق: محمد حسین اعلمی، بیروت، موسسه اعلمی، چاپ ششم، ۱۳۹۲، ص ۲۲۰
۱۸. بیهقی، ابوبکر، سنن الکبری، بیروت، دارالفکر، ج ۷، ص ۴۶.
۱۹. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۲۲
۲۰. صدوق، محمد بن علی، امالی، قم، موسسه بعثت، ۱۴۱۷، ص ۱۳۰.
۲۱. ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، بیروت، دارالمعرفه، ج ۳، ص ۱۲۸.
۲۲. الحلبي، نورالدین، السیره الحلبیه، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۴۵۴.
۲۳. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۹۸.
۲۴. شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۲۷.
۲۵. محمدی ری شهری و همکاران، حکمت نامه پیامبر اعظم، قم، دارالحديث، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۲۰۰.